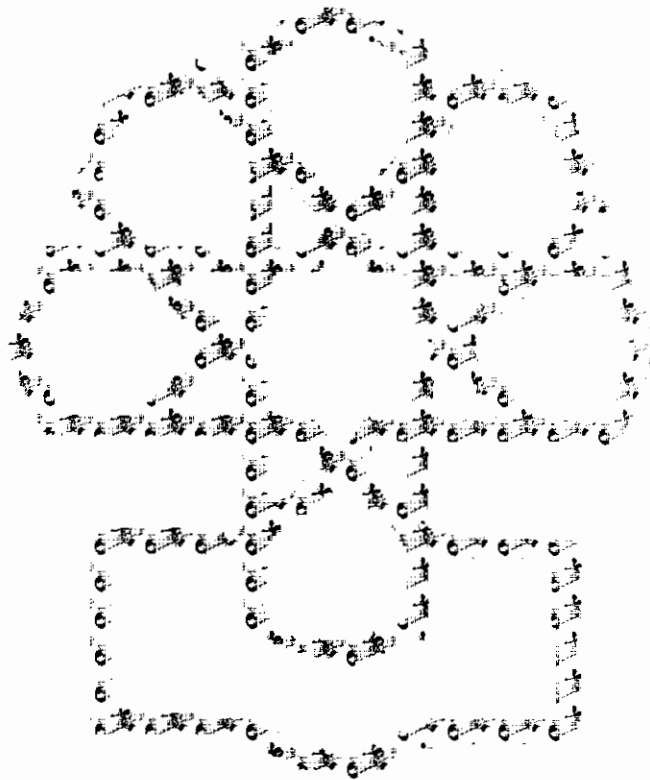


## درباره سنت و تجدد



معاونت پژوهشی

کار: دفتر کارشناسان  
(آقای دکتر عباس همای)

کد گزارش: ۴۱۰۴۷۸۳

پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی  
فانۀ واحد اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
شماره: ۱۳۴۴  
تاریخ: ۲۲، ۱۱، ۷۹

بسمه تعالی

سنت و تجدد (بخش نخست)

کد گزارش: ۴۱۰۴۷۸۳

### فهرست مطالب

۲	پیشگفتار
۳	واژه سنت
۴	علل سنت گرایی متعصبانه
۴	۱- ترس از فقدان نقاط مثبت وضع موجود
۴	۲- ندانستن عیوب و وضعیت فعلی و نداشتن برنامه جدی برای دستیابی به آینده بهتر
۴	۳- تعارض خواسته های گروه بهره ور با گروه محروم
۵	چگونگی پیدایش تجدد
۵	برخورد غرب با کشورهای دیگر
۶	برخورد غرب با ایران
۶	وضعیت جامعه ایران در آستانه تماس با غرب
۸	زمینه های اجتماعی و فکری اصلاحات در ایران عصر قاجار
۹	جنگ ایران و روسیه و بیداری ایرانیان
۱۲	انسداد اصلاحات درونی و آغاز اصلاحات خارج حکومت
۱۳	نتیجه گیری
۱۶	کتاب مورد مراجعه

نزاع میان سنت و تجدد نزدیک به دو قرن است که به شکلی خاص فرهنگ و جامعه خاورمیانه و بالاخص جوامع دارای فرهنگی ریشه دارتر را عرصه خود قرار داده است.

متأسفانه واژه‌های سنت و تجدد بستری مناسب را برای درگیری و حره‌ای مؤثر را برای منکوب کردن و از صحنه خارج ساختن گروه‌های فکری رقیب فراهم ساخته است، بدون آن‌که در بسیاری مواقع حد و مرز سنت‌گرایی یا تجددطلبی تبیین شده باشد.

با بررسی تاریخی به خصوص هفتادسال اخیر (و بالاخص دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی) می‌بینیم که این حوزه بحث چماق سنگینی بر سر گروه‌های فکری بوده است. زمانی معتقدین به حفظ احکام اولیه و مسلم اسلام (مانند انتخاب حاکم آگاه و ملتزم به مبانی اسلام) با چماق تحجر، استبداد و سنت‌گرایی در میان هیاهوی آزادیخواهی و پیشرفت، مظلومانه به کناری زده می‌شوند و در برهه‌ای اندیشمندان معتقد به حفظ کرامت انسانی و استفاده از آزادی‌های مشروع، با تازیانه برجسب بی‌دینی تکفیر می‌گردند. گروهی هر نوع انتخاب بشری را مجاز شمرده و دین باوران را که قائل به تشریح الهی هستند و وجود مرزی برای انتخاب انسان را لازم می‌دانند، با انگ املی لکه دار می‌سازند و برخی دیگر مباحاتی چون کف زدن برای تشویق را از مظاهر شرک می‌پندارند و برای مرغ اندیشه نیز قفس کج فهمی از دین را تعبیه می‌کنند.

اصولاً دیدگاه هر انسان نسبت به هستی به یکی از سه حالت زیر متصور است:

۱- یله بودن از التزام به قوه‌ای فوق بشری.

۲- التزام اخلاقی به خدایی غیر قانون‌گذار یا قانون‌گذاری که عمل به قوانین او اجباری نیست.

۳- پذیرش خدایی قانون‌گذار که تخلف از قوانین او مستوجب کیفر است.

#### دیدگاه اول

با این دیدگاه هر نوع عملی که انسان آن را برای خود دوست دارد و با آن ارضا می‌شود، مجاز خواهد شد و التزام به قوانین اجتماعی - در جایی که مخالف تمایل انسان است - بی‌معنی می‌باشد و رعایت هر قانون - با هر قانون‌گذاری - تنها از جهت همگونی با تمایل فردی قابل قبول است و هر قانون مخالف با تمایلات شخص نه تنها از نظر وی بی‌اعتبار تلقی می‌شود، بلکه مضر و خطرناک محسوب می‌گردد.

#### دیدگاه دوم

این دیدگاه نیز چون خدا را قانون‌گذار نمی‌داند یا قوانین او را لازم الاجرا نمی‌شمرد، هر نوع قانون مخالف با تمایلات شخصی را بیهوده یا مضر می‌انگارد و التزام به قانون را تنها در راستای منافع شخصی جستجو می‌کند.

#### دیدگاه سوم

باور این دیدگاه بدین معنی است که تنها قانون‌گذار به حق، خالق است و هر قانون (ولو با تصویب همه بشریت) چنانچه مغایر قوانین خالق باشد، بی‌ارزش بلکه ضد ارزش است و صرف قانون‌گذاری مغایر با قانون خدا، خود جرمی بزرگ است که کیفری متناسب با آن را طلب می‌کند.

واژه سنت کاربردهای گوناگونی دارد.

در بحث‌های کلامی منظور از سنت، نظم‌های ثابتی است که بر موجودات جهان (اعم از انسان، طبیعت یا تاریخ) حاکم است و موجب تکرار یا مشابهت پدیده‌ها و رویدادها می‌شود. این نظم‌ها را سنت خداوند «سنة الله» نامیده‌اند.<sup>۱</sup> در بحث این مقاله چنین معنایی را در نظر نداریم.

گاهی لفظ سنت به مجموعه گفتار، کردار و تقریر (تأیید ضمنی) بزرگان دین به ویژه پیامبر اکرم (ص) اطلاق می‌شود.<sup>۲</sup> با این کاربرد، سنت مترادف شیوه یا مشی فکری و عملی است. وقتی سخن از سنت پیامبر (ص) است چنین معنایی مراد می‌باشد و با این حساب چنین معنایی نیز در بحث ما مورد نظر نیست. لفظ سنت در بحث سنت و تجدد واژه‌ای جامعه‌شناختی و سیاسی است. بنابراین باید به سراغ کاربرد این اصطلاح در حوزه علوم اجتماعی رفت.

سنت در علوم اجتماعی معنی وسیعی دارد که شامل همه ما ترک و میراثی است که هر جامعه‌ای از نسل پیش از خود به‌عنوان باوری غالب به ارث برده است. این معنی از سنت با معنای عام فرهنگ در علوم اجتماعی و بالاخص جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی مرتبط است. فرهنگ در این معنا به مفهوم همه امور اکتسابی است یا به معنی امور آموختنی است که شفاهاً کسب شده است و این بدین جهت است که جامعه‌شناسان، انسان را حیوان فرهنگ ساز یا دارای فرهنگ می‌دانند.<sup>۳</sup>

این معنی از سنت ارتباط نزدیکی با بحث ما دارد و غالباً در بحث سنت و تجدد به عنوان صفت استفاده می‌گردد، یعنی عنوان عامی است که اجزای مختلف جامعه به آن متصف می‌شود، مثلاً اقتصاد سنتی و مدرن، فرهنگ سنتی و مدرن و... پس سنت همه اموری است که از گذشته به ما رسیده است و حالت بومی و وطنی دارد، چه اقتصاد باشد، چه اخلاق، ادبیات، حکومت و... این که نزاع سنت و تجدد از کجا برخاسته و فلسفه وجودی آن کدام است باید به تاریخ برگردیم و مروری داشته باشیم بر چگونگی پیدایش تمدن و فرهنگ غرب.

ابتدا لازم است یک نکته را که ممکن است موجب سوء فهم شود، مورد توجه قرار دهیم. شاید گمان شود تجدد یعنی ابتکار و اجتهاد و سنت یعنی نظریاتی که از متفکران دیگر به ما رسیده است، یعنی نزاع سنت و تجدد همان بحث تقلید و اجتهاد در علوم تصور شود که از آغاز اندیشه بشری مطرح بوده است، بنابراین با توجه به اصل اجتهاد در اندیشه اسلامی و تأکید بسیاری که بر پرهیز از تقلید کورکورانه شده است و اصراری که بر اجتهاد، نوآوری و فرزند زمان خود بودن رفته است، این نزاع ریشه داری است، اما باید دقت داشت که بحث سنت و تجدد بسیار عمیق‌تر و فراگیرتر از این بحث است و تنها یک بحث علمی نیست، بلکه بحثی اجتماعی و جامعه‌شناختی است و ارتباط بسیار محکمی با علم جدید و انسان جدید و نگرش‌های او دارد و این نزاع زاینده تمدن جدید غرب و رهیافت‌هایی است که در پیش گرفته است.

۱. بنگرید به = معارف قرآن در النبیان، سیدمهدی امین، ص ۴۰۷ تا ۴۶۰.

۲. بنگرید به = اصول الفقه، شیخ محمد رضا مظفر، جلد ۲، ص ۵۷.

۳. ر. ک. به: فرهنگ علوم اجتماعی، گولند و کولب، مجموعه مترجمان ص ۵۱۹ و ۵۲۰.

اهم عواملی که جوامع بشری را به سنت گرایی متعصبانه دعوت می‌کنند عبارتند از:

- ۱- ترس از فقدان نقاط مثبت وضع موجود.
  - ۲- ندانستن عیوب وضعیت فعلی و نداشتن برنامه جدی برای دستیابی به آینده بهتر.
  - ۳- تعارض خواسته‌های گروه بهره‌ور با گروه محروم.
- بررسی اجمالی این عوامل ما را به انگیزه‌ها و روش‌های تجددخواهی رهنمون می‌سازد، لذا بدان می‌پردازیم.

### ۱- ترس از فقدان نقاط مثبت وضع موجود

بشر اولیه (چون انسان‌های نئاندرتال<sup>۱</sup> و پس از آن کرومانیون<sup>۲</sup>) و به طور کلی آنچه امروزه بدان انسان بدوی<sup>۳</sup> خوانده می‌شود، به میل خود هرگز محل زندگی خود را تغییر نمی‌دهد، چرا که نمی‌داند که در چند کیلومتری او چه سرنوشتی منتظر اوست و چه بسا با جابجایی از محل زندگی خود، حداقل‌های موجود برای گذراندن زندگی خویش را از کف بدهد. بسیاری از مردم جوامع پیشرفته در زمان جنگ سرد با ترسیدن از تسلط اقتصاد بسته کمونیستی و از دست دادن مالکیت‌های شخصی خود (ولواندک) با اصلاحات اجتماعی مطرح شده از سوی اصلاح طلبان (اگرچه بار اقتصادی نداشته باشد) مخالفت می‌کردند<sup>۴</sup> و حتی پاره‌ای حرکت‌ها که اساساً با اندیشه‌های مارکسیستی قابل جمع نبود، متهم به جانبداری از مارکسیسم می‌شد که نمونه بارز آن را می‌توان تبلیغات حکومت پهلوی و تعبیر شخص محمدرضا پهلوی از انقلابیون به عنوان مارکسیست‌های اسلامی، برشمرد.

### ۲- ندانستن عیوب وضعیت فعلی و نداشتن برنامه جدی برای دستیابی به آینده بهتر

اصولاً بشر همیشه با مشکل [وای اگر از پس امروز بود فردایی] روبه‌رو بوده است. زمانی که قرآن با تأسف وضعیت متعصبان زمان خود را مطرح می‌کند، بر آنها می‌تازد که آیا ممکن نبوده است که پدران شما (یعنی ترسیم کنندگان خط مشی فعلی) چیزی را نمی‌فهمیده و ره به جایی نبرده باشند<sup>۵</sup> و این در حالی است که شما پیروی از آنان را لازم می‌دانید<sup>۶</sup> و برای زندگی خود کافی می‌شمردید.<sup>۷</sup>

### ۳- تعارض خواسته‌های گروه بهره‌ور با گروه محروم

از آنجا که بشر در پی گشایش عرصه‌های جدید برای خویش است<sup>۸</sup> طبیعی است که گروه محروم از امکانات به تناسب میزان این محرومیت، به دنبال طرح باورها و اشکال جدید روابط اجتماعی باشد و بر عکس گروه

1. Neanderthal.  
2. Cro- Magnon.

۳. بنگرید به: تاریخ جامع ادیان. جان ناس و خلاصه ادیان، دکتر مشکور: بخش دین‌های آغازین.

۴. یکی از بهترین حربه‌های آمریکا علیه حکومت آئنده در شیلی، استفاده از ترساندن مردم از تسلط کمونیسم و محرومیت آنها از مالکیت شخصی بود.

۵. در قرآن سنت گرایی متعصبانه یکی از ردایل کفار شمرده شده است: ۲۶/۴۸.

۶. ... قالوا ایل نئیج ما الفیناعلیه ایا، نا اولوکان اباؤهم لایعقلون شیئاً ولایهتدون (۲-۱۷۰).

۷. ... قالوا حسبتا ما وجدنا علیه ایا، نا اولوکان اباؤهم لایعلمون شیئاً ولایهتدون (۵-۱۰۴).

۸. این میل طبیعی را قرآن با ظرافت خاصی مطرح می‌کند: بل یرید الانسان لیفجر امامه (سوره القیامة - آیه ۵).

دارای این امکانات سعی خود را مصروف جلوگیری از هر نوع اصلاح طلبی نماید و در پی سرکوب هر حرکت و حتی تفکر اجتماعی نویی باشد.

البته طبیعی است در جایی که برخورد با اصلاحات جزئی<sup>۱</sup> ممکن نباشد برای جلوگیری از اصلاحات زیربنایی،<sup>۲</sup> محافظه کاران<sup>۳</sup> با اصلاحات رو بنایی سعی در حفظ پایه‌های وضعیت موجود داشته باشند

### چگونگی پیدایش تجدد

تجدد زائیده بینش نوی است که رنسانس نام گرفت. «انقلاب علمی سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی نه تنها بر هر شاخه‌ای از علوم اثر نهاد، بلکه روش‌های تحقیق علمی، اهداف دانشمندان و نقش احتمالی علم در فلسفه و در خود جامعه را نیز دگرگون ساخت. چنین دگرگونی شگرف نمی‌توانست خود به خود روی دهد این دگرگونی نتیجه تغییر کلی تری در نحوه نگریستن انسان به خویشتن و جهان پیرامونش بود، تغییری که رنسانس نام گرفت»<sup>۴</sup>.

انسان زائیده رنسانس دو ویژگی داشت اراده شناخت جهان و اراده تسلط بر آن. برای اولین بار در تاریخ بشر آدمی در جستجوی قدرت برآمد و علناً اظهار داشت که تاکنون آدمیان در جستجوی حقیقت بودند و بدان دست نیافتند ولی ما در جستجوی قدرت هستیم یعنی تسلط بر طبیعت، جهان، انسان و هر چیزی که قابل شناخت، تجربه و محاسبه و اندازه‌گیری باشد. فیلسوفان جدید علناً و با صراحت و شهادت این شعائر را تبلیغ کردند. «غرب در قرن شانزدهم به اکتشاف عالم پرداخت و سپس دوران انقلاب کشاورزی و انقلاب صنعتی و انقلاب‌های اجتماعی رسید. اروپای قرن نوزدهم بانکدار جهان شد کشتی‌هایش به آن سوی دریاها رفتند مواد اولیه صنعتش را ارزان فراهم آورد و کالاهای مصنوعش را گران به مردم جهان فروخت. اروپا غنی شد و طی یک دوره به نسبت کوتاه به روش‌های جدیدی در امر تولید و راه و رسم زندگی دست یافت»<sup>۵</sup>.

بنابراین مابه مجموعه اندیشه‌ها و رویدادهایی که از قرن شانزدهم تا نوزدهم در غرب پدیدار شد تجدد می‌گوییم.

### برخورد غرب با کشورهای دیگر

برتری نظامی و اقتصادی به اروپا امکان داد تا کشورهای دیگر را به زیرسلطه خود درآورد سازمان اداری خارجی تأسیس کند، مردم اروپایی را در آن کشورها مستقر کند، مسیحیت را تبلیغ نماید زبان اروپایی را به عنوان زبان رسمی به آنها تحمیل کند و در نهایت آنها را استثمار نماید. این کشورها مستعمره مستقیم غرب شدند ولی کشورهای دیگری هم بودند که امکان چنین برخوردی با آنها نبود. روسیه، چین، ژاپن، عثمانی و ایران کشورهایی قدرتمند با فرهنگی ریشه‌دار و عمیق بودند که غرب از راه مسالمت‌آمیز آنها را وابسته خود ساخت (گرچه زبان ملی خود را حفظ کردند و به تصرف غرب در نیامدند و فرماندار خارجی برای‌شان فرستاده نشد). این کشورها از نظر اقتصادی وابسته شدند ولی از نظر اجتماعی و فرهنگی و تاحدی

۱. Reform. این کلمه معمولاً برای اصلاحات جزئی و مقطعی به کار می‌رود.

۲. Revolution کاربرد این واژه معمولاً در اصلاحات زیربنایی و تغییرات ریشه‌ای است.

3. Conservatives.

۴. تاریخ علم کمبریج، کالین. رمان، ترجمه حسن افشار ص ۳۷۴.

۵. ایرانیان و اندیشه تجدد / جمشید بهنام ص ۳ و ۴.

سیاسی استقلال خود را حفظ کردند اما استقلالی که منافع غرب را تهدید نکند سلطه و دخالت غرب نوعی خودآگاهی در میان عالمان و حاکمان ممالک زیر سلطه را موجب شد و به زودی دریافتند که باید از درون غرب راه درمان و مقابله با آن را پیدا کرد. ابتدا روسیه به اخذ فرهنگ غرب و تمدن آن دست یازید. روسیه با پذیرش مدل اقتصادی و سیاسی غرب راه مدرنیزاسیون را در پیش گرفت و توانست خود را از عقب ماندگی نجات دهد. حمله ناپلئون به مصر نخستین برخورد غرب با خاورمیانه بود این حمله دولت عثمانی را دگرگون ساخت و راه تجدد را در پیش گرفت این امر ابتدا در مصر روی داد و سپس به ترکیه سرایت کرد و بعدها ایرانیان از آنها تبعیت کردند. توجه به اقتصاد جدید، تأسیس مدارس جدید، اعزام دانشجویان به غرب، اصلاحات اداری و وضع قوانین جدید مدنی و جزائی و تصویب قانون اساسی در ۱۸۷۶ اقدامات مهمی است که امپراتوری عثمانی مبادرت به آنها کرد.

### برخورد غرب با ایران

«برخورد ایران با تمدن غرب بعد از برخورد ایران با اسلام مهم‌ترین پدیده فرهنگی تاریخ ایران است اکثر مورخان سرآغاز این برخورد را دوره صفوی می‌دانند و رفت و آمد سیاحان یا چند جنگ نافرجام در خلیج فارس را نشانه این برخورد می‌شمارند»<sup>۱</sup>

این برخوردهای اولیه در حدی نبود که ایران را بیدار سازد تا زمامداران این کشور دریابند با چه قدرت‌هایی روبه‌رو هستند ایرانیان به قدرت خود می‌بالیدند هدیه‌های فرنگیان به دربار ایران خشنودی شاهان را فراهم می‌کرد و سر و وضع فرنگیان مایه سرگرمی مردم اصفهان بود اروپا در این دوره سرزمین عجایب و اسطوره‌های خیال‌انگیز بود کفاری که نمی‌توانستند سرمشق مسلمانان باشند و نیازی هم به آشنایی با آنها نبود جنگ‌های هلند و پرتغال در خلیج فارس و حتی تصرف هرمز نتوانست ایرانیان را به خود آورد تادشمنان خود را بشناسند. امپراتوری عثمانی که ایران را از اروپا جدا می‌کرد موجب شد که ایرانیان تماس مستقیمی با غرب نداشته باشد و تنها از راه روسیه بود که نشانی از غرب مشهود بود یا از راه جنوب ایران که انگلیسی‌ها سفیر و تاجر می‌فرستادند ایرانیان همه کشورهای غربی را روم (بیزانس) می‌نامیدند در زمان فتحعلی شاه علاقه‌ای به فرانسه ابراز می‌شود و ناپلئون چهره‌ای افسانه‌ای می‌یابد که همانند شاه عباس اصلاحات می‌کند و کاروانسرا می‌سازد. اما جنگ‌های ایران و روس و شکست‌های پی در پی ایران و جدا شدن بخش‌های زیادی از این کشور و عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای چشمان ایرانیان و به خصوص زمامداران و تحصیلکرده‌گان را بر دنیای معاصرشان گشود و آنگاه که بیدار شدند دریافتند که چند صد سال از دنیای غرب عقب مانده‌اند.

### وضعیت جامعه ایران در آستانه تماس با غرب

«ایران در آستانه قرن نوزدهم ۵ الی ۶ میلیون نفر جمعیت داشت بین نصف تا یک سوم این جمعیت صحرائشین بوده و در قالب ده‌ها ایل و طایفه بزرگ و کوچک در مناطق شمال، غرب و جنوب غربی ایران پراکنده شده بودند مابقی جمعیت ایران در شهرها و روستاها سکونت داشتند»<sup>۲</sup>

از جمعیت اسکان یافته حدود ۲۰ درصد شهرنشین و هشتاد درصد مابقی روستائین بودند. شهرهای

۱. ایرانیان و اندیشه تجدد، جمشید بهنام ص ۱۴.

۲. سنت و مدرنیسم. صادق زیبا کلام، ص ۱۰۲.

بزرگ عبارت بودند از اصفهان، شیراز، کرمان، قزوین و تبریز، مابقی شهرها چیزی بیش از روستاهای بزرگی نبودند. با توجه به آمارهای تقریبی جمعیت شهرنشین ایران حدود هشتصد هزار تا یک میلیون نفر بوده است. اقتصاد ایران متکی به کشاورزی دامداری بود. روستاها یعنی مراکز تولید از یکدیگر دور بودند و حالتی خودکفا و بدون ارتباط داشتند. از نظر اقتصادی ۸۰ درصد تولید ناخالص ملی (GNP) ایران را کشاورزی و ۲۰ درصد مابقی را صنعت، معدن و خدمات تشکیل می داد.<sup>۱</sup>

روستاها در تهیه مایحتاجی همانند ادویه جات، قند و شکر، چای و پارچه به شهر نیازمند بودند و بقیه احتیاجات خود را خودشان تولید می کردند. فقدان راه و حمل و نقل مناسب موجب عدم ارتباط میان روستاها و شهرها بود جاده های ایران «مال رو» بودند و مسافرت و حمل و نقل به سختی انجام می شد. مسافرت از اصفهان به تهران با تمام تلاش حدود یک هفته طول می کشید. عدم ارتباط مانع رونق اقتصادی جامعه و حتی قحطی و مرگ و میر بود. قحطی و خشکسالی حتی در اواخر قرن نوزدهم به صورت مرتب در ایران اتفاق می افتاد در حالی که در منطقه ای از ایران مواد غذایی به وفور وجود داشت منطقه دیگری از خشکسالی و قحطی در معرض مرگ و میر و مشقت بودند.<sup>۲</sup>

کل تجارت خارجی ایران (واردات به علاوه صادرات) در ابتدای قرن نوزدهم ۲/۵۰۰/۰۰۰ دلار و سرانه تجارت خارجی آن در انتهای قرن به ۹ دلار بالغ می شد این سرانه در همان زمان برای عثمانی ۱۵ دلار و برای مصر ۲۴ دلار بود.<sup>۳</sup>

دولت قاجار سازمانی بود عملاً غیر متمرکز با شیوه اداری ایللیاتی که هدفش ایجاد تعادل میان قدرت های محلی (خان های ایلات، حکام ولایات و...) بود خان ها نماینده قدرت های عشیره ای بودند و بسیاری از حکام از خانواده شاهی بودند یا با آن نسبت داشتند به عنوان مثال حاکم زنجان، خراسان، قزوین، ملایر و تویسرکان، بروجرد و همدان، فارس، مازندران، کرمانشاه، بروجرد، لرستان و... از بستگان نزدیک یا دور فتحعلی شاه بودند.<sup>۴</sup>

حاکمان در هر منطقه جز دریافت مالیات کار عمده دیگری نداشتند و دربار قاجار در صورتی که درآمد مقرری هر منطقه پرداخت می شد به بقیه مسائل توجهی نداشت.

وضعیت سواد جامعه نیز بهتر از کشاورزی و نظام اداری آن نبود کمتر از ۵ درصد جمعیت شهرنشین خواندن و نوشتن می دانستند سواد محدود به افشار درباری، بازار یون و روحانیون بود گرچه درباریان و بازاریان هم، همه با سواد نبودند. در آغاز قرن نوزدهم هم هیچ مدرسه جدیدی در ایران وجود نداشت. در پایان قرن نوزدهم ۲۰ مدرسه جدید و یک دبیرستان دایر شده بود. در یک کلام می توان گفت تحولات غرب به گوش ایرانیان نرسیده بود، رنسانس، کشف قاره آمریکا، دور زدن قاره آفریقا و کشف سرزمین های جدید، انقلاب علمی، انقلاب صنعتی و انقلاب کبیر فرانسه برای ایرانیان کاملاً ناشناخته بود و آن قدر این بی اطلاعی عمیق بود که شاه قاجار فتحعلی شاه گمان می کرد برای رسیدن به ینگه دنیا (امریکا) می باید چاه بکند.<sup>۵</sup>

در مجموع می توان چهره ایران در آغاز قرن نوزدهم را به اختصار چنین ترسیم کرد. جامعه ای بود ایللیاتی با نظام اداری خان خانی، از نظر اقتصادی اقتصاد شبانی (کشاورزی و دامداری) بسیار فقیر و عقب مانده، کم

۱. اقتصاد سیاسی ایران، محمد علی (همایون) کاتوزیان، ترجمه نفیسی، عزیزی ص ۸۸

۲. سنت و مدرنیسم، صادق زیبا کلام، ص ۱۰۵

۳. همان کتاب، ص ۱۰۵ و ص ۱۰۶ و همچنین ص ۱۴۷ و ص ۱۴۸.

۴. همان.

۵. سنت و مدرنیسم، زیبا کلام، ص ۱۰۷.



جمعیت، فاقد ارتباطات و از لحاظ تجارت، سیاست و روابط بین‌المللی ارتباط ضعیفی با جهان داشت، از نظر علم و فرهنگ منقطع و بریده از جهان خارج.<sup>۱</sup>

ایران گرچه از انقلابات علمی، صنعتی و سیاسی جهان خبر چندانی نداشت اما غرب به سرعت در حال دگرگون ساختن چهره اقتصادی، جمعیتی، فرهنگی و سیاسی جهان بود. یکی از مشکلات اساسی جامعه ایران بافت ایلی قبیلگی آن بود که موجب تزلزل حکومت ایران و جابه‌جا شدن مستمر خاندان حکومتی بود. سلسله‌های غزنوی، سلجوقی، صفوی، افشار، زند و قاجار همگی ساختار ایلی داشتند و گرچه غالباً در جنگیدن قدرتمند و کاردان بودند اما در اداره کردن جامعه و تأسیس نظام اداری ناتوان و ضعیف و ناکارآمد بودند و این مسئله موجب درگیری‌های مستمر و حالت جنگ و دفاع همیشگی بود. این قبایل کوچ‌نشین و خانه‌به‌دوش همواره از بیرون مرزهای ایران هم این مملکت را تهدید می‌کردند. مناطق شمالی، شمال غربی و شرقی ایران همواره در معرض هجوم قبایل بیابانگرد بود. از بک‌ها، تاتارها، قرقیزها، ترک‌ها و ترکمن‌ها قبایلی بودند که همواره در حال تاخت و تاز به همسایگان‌شان بودند و ایران هم در معرض هجوم و حملات آنها بود. اما ساختار نظام قبیلگی در طول قرن نوزدهم در داخل و خارج کشور تحولات عمیقی کرد نیروی قبایل ضعیف شد قدرت مرکزی استحکام یافت گسترش شهرنشینی ترکیب جمعیتی ایران را عوض کرد. در کنار این تحول تغییرت دیگری نیز به کاهش توان نظامی قبائل کمک کرد. تحکیم ساختار حکومتی، گسترش بوروکراسی، پیدایش ارتباطات جدید و در نتیجه افزایش ظرفیت کنترل و تسلط و تحولات اجتماعی در طول این قرن به همراه دگرگونی تجاری و اقتصادی مجموعاً دست به دست هم دادند تا قبائل دیگر آن نفوذ قبلی را نداشته باشند.

در آسیای میانه هم تغییرات مشابهی اتفاق افتاده بود توسعه طلبی امپراطوری روسیه قبایل کوچ‌نشین را مهار و در درون ساختار حکومتی جذب کرده بود و بنابراین ایران دیگر در معرض هجوم قبایل بیابانگرد نبود بلکه در معرض هجوم امپراطوری روسیه قرار داشت. دولتی که با تجهیز خود به علم و صنعت غرب و نظام اداری آن به مثابه دشمن قدرتمندی مرزهای شمالی ایران را تهدید می‌کرد.

### زمینه‌های اجتماعی و فکری اصلاحات در ایران عصر قاجار

هر حادثه اجتماعی که در جامعه‌ای روی دهد و ریشه در مردم آن جامعه و ساختارهای اجتماعی آن داشته باشد از دو سری علل ناشی می‌شود یعنی علل اجتماعی اقتصادی و علل فرهنگی فکری یا به بیان دیگر از آنجا که انسان مجموعه‌ای است از عوامل درون ذات و برون ذات یا معنوی و مادی. بنابراین هر حادثه اجتماعی نیز ناشی از ترکیبی از عوامل ذهنی و عینی است. این عوامل تأثیر مدام بر همدیگر دارند و هر کدام مقوم دیگری است. در مسئله پیدایش تجدد و ظهور نوگرایی در جامعه ایران نیز باید به سراغ این دو سری علل رفت.

رشد جمعیت ایران در طول قرن نوزدهم (حدوداً دو برابر شدن آن)، افزایش جمعیت شهرنشین نسبت به روستائین، چند برابر شدن جمعیت شهرها، رشد توقعات و خواسته‌های شهرنشینان، به خصوص تقاضای امنیت، بهداشت، ایجاد کوچه، خیابان و جاده، مدرسه، مکتبخانه، حمل و نقل و در یک کلام خدمات شهری، عدم توانایی دولت در برآوردن نیازهای زندگی شهری، افزایش هزینه‌های حکومتی در نتیجه

۱. ما چگونه ما شدیم، زیبا کلام، ص ۱۰۴ الی ص ۱۰۸.

گسترش بوروکراسی و چندین برابر شدن شمار حقوق‌بگیران، فشار دولت بر مردم برای دریافت مالیات بیشتر، بالا رفتن مخارج دربار و هزینه سفرهای شاهان قاجار به اروپا، اعطای امتیازات به کشورهای خارجی، گرفتن کمک‌های مالی از کشورهای غربی، سیزده برابر شدن حجم مبادلات اقتصادی در طول قرن نوزدهم، عدم توانایی صنعت داخلی در برابر صنعت غرب، ورود کالاهای غربی به بازارهای ایران، فقدان امنیت در تجارت خارجی و داخلی، ورود اروپائیان به کشور و گشت و گذار در سراسر ایران، اتصال اقتصادی ایران به اقتصاد جهانی و غیره مجموعه علل عینی‌ای بودند که چهره بیرونی جامعه و قیافه آن را تغییر دادند اما این تغییرات بیرونی با تحولات ذهنی و فکری دیگری هم تکمیل شد، آشنایی با فرهنگ و تمدن غرب و سفر هزاران ایرانی به خارج کشور و دیدن وضعیت روسیه، عثمانی و اروپا نگرش آنان را نسبت به غرب و ایران عوض کرد، تجار، دیپلمات‌ها، محصلین و مهاجرین ایرانی اقشاری بودند که از نزدیک با غرب آشنا شده بودند.<sup>۱</sup>

ایرانیانی که به غرب می‌رفتند پس از بازگشت، سیاحتنامه یا سفرنامه‌هایی می‌نوشتند که اولین برداشت‌های ایرانیان از غرب بود و از این طریق ایرانیان با علم جدید، انقلابات سیاسی غرب، دموکراسی، مجلس مشورتی، حکومت قانون، قانون اساسی، حقوق ملت، اصلاحات، آزادی، ترقی، رشد و توسعه و غیره آنچنان که در غرب مطرح بود آشنا شدند.

### جنگ ایران و روسیه و بیداری ایرانیان

دور اول جنگ‌های ایران با امپراتوری روس در سال ۱۲۱۸ هـ- ق/ ۱۸۰۳ (۶ سال بعد از جلوس فتحعلیشاه به تخت سلطنت) شروع شد و به مدت ده سال ادامه یافت. نتیجه جنگ از دست رفتن بخش عمده‌ای از سرزمین‌های ایران در قفقاز و ماوراء قفقاز بود (بخش‌هایی از گرجستان، ارمنستان و آذربایجان امروزی) عباس میرزا و دربار قاجار گرچه از علماء ایران در جنگ کمک گرفته بودند و فرمان جهاد هم صادر شده بود ولی قدرت روسیه چنان بود که ایران نتوانست سرزمین‌های از دست رفته‌اش را به دست آورد.<sup>۲</sup>

شکست‌های پیاپی ایران از روسیه میان سال‌های ۱۸۰۳ تا ۱۸۲۸ (۱۲۱۸ ق تا ۱۲۴۳ ق) برای نخستین بار گروهی از ایرانیان را به خود آورد و عباس میرزا که خود در جنگ‌ها درگیر بود به ضعف و عقب‌ماندگی فنی و علمی ایران پی برد و قائم مقام مشاور و معاونش نیز در این اندیشه با وی هم‌آواز شد. این آگاهی و در پی آن تجدیدخواهی از تبریز که همسایه روسیه بود آغاز گردید. اندیشه نوآوری ابتدا از دستگاه حکومت آغاز شد زیرا زمامداران وقت از راه تجربه به ضعف خود و قدرت دشمنان به خصوص غرب پی برده بودند. عباس میرزا نخست به فکر لزوم ارتش افتاد و از ارتش روسیه و عثمانی الهام گرفت. از ارتش به صنایع پرداخت و کارخانه‌هایی در تبریز و شهرهای دیگر تأسیس کرد. تعدادی دانشجو را به انگلستان فرستاد. کتاب‌هایی چند همانند «تاریخ پطر کبیر» اثر ولتر و «عظمت و انحطاط امپراتوری روم» اثر ادوارد گیبون به اشاره وی به فارسی ترجمه شد. حتی کوشید در تبریز مدرسه جدید دایر کند تا مسلمانان و مسیحیان با هم در آنجا تحصیل کنند. اقدامات اصلاحی عباس میرزا با شکست کامل ایران در دور دوم جنگ‌های ایران و روس در سال ۱۲۴۴ ق متوقف گردید و مرگ او موجب شد که همه تلاش‌هایش با شکست رو به رو شود.

دنباله کار عباس میرزا را امیرکبیر گرفت. میرزا تقی خان امیرکبیر که در دستگاه حکومت ولیعهد عباس

۱. ر. ک به سنت و مدرنیسم، زیبا کلام، ص ۲۱۵ الی ص ۲۳۰.

۲. همان کتاب، ص ۱۹۶.

میرزا کارآموزی کرده بود و با خبرگان نظامی و دیگر مأموران اروپایی که در تبریز گرد آمده بودند سر و کار داشت سفری به روسیه رفته بود. چهار سال به نمایندگی ایران در عثمانی به سر برده بود و تنظیمات عثمانی را از نزدیک دیده بود و از اصلاحات محمدعلی پاشا در مصر اطلاع خوبی داشت. درک امیرکبیر از غرب نسبت به عباس میرزا عمیق تر بود امیرکبیر مستقیماً از آثار مؤلفان فرنگی استفاده کرده بود و حتی در مدت مأموریت در عثمانی دو جلد کتاب قطور در مورد وضعیت جغرافیایی، تاریخی و سیاسی اقتصادی غرب فراهم کرده بود وی از روزنامه‌های کشورهای فرانسه، انگلیس، روس، اتریش، عثمانی و هندوستان استفاده می‌کرد و حتی بخش‌هایی از آنها به وسیله مترجم خاص ترجمه می‌شد و به صورت جزواتی برای امیرکبیر فراهم می‌شد. صدارت امیرکبیر حدود ۳ سال و دو ماه طول کشید اما اقدامات او در این مدت وی را به اصلاح طلب بزرگ دوران قاجار بدل ساخت. مهم‌ترین اقدامات وی عبارت بودند از ایجاد واحدهای دائمی مرزی، دایر کردن کارخانه اسلحه‌سازی و توپ‌ریزی، یونیفورم نظامی و درجه‌های نظامی را مرسوم کردن، اقدام برای تأسیس نیروی دریایی، مبارزه با رشوه‌خواری و پیشکش دادن به دستگاه دولت، حذف القاب و عناوین ارباب دولت، مبارزه با مدیحه‌سرایی شاعران، ایجاد امنیت در شهرها و مبارزه با قداره‌کش‌ها و عناصر هرج و مرج طلب و زورگو، راه‌اندازی چاپارخانه و پست جدید، آبله‌کوبی همگانی، سنگفرش کردن کوچه‌ها، بنای نخستین بیمارستان دولتی، مرمت بناهای تاریخی، تأسیس دارالفنون، ترجمه کتاب‌های اروپایی، توسعه چاپخانه‌های جدید، ایجاد روزنامه و وقایع اتفاقیه، ورود روزنامه‌های خارجی به ایران، احداث کارخانجات مختلف صنعتی و پارچه‌بافی، حمایت از صنایع داخلی، استخراج معادن، ایجاد چند سد بر روی رودخانه‌ها، توسعه صادرات و محدود کردن واردات و اقدامات دیگر. اقدامات امیرکبیر در حدی بود که نه تنها دربار را علیه او برانگیخت بلکه مراکز دیگر قدرت در جامعه زا هم علیه وی تحریک کرد و در نهایت در سال ۱۲۶۸ ق / ۱۸۵۳ در سن ۴۶ سالگی در حمام باغ فین کاشان به قتل رسید.<sup>۱</sup>

دور بعدی اصلاحات پس از شکست ایران از انگلستان و جدا شدن افغانستان از ایران شروع شد. این دفعه دربار قاجار و در رأس آن ناصرالدین شاه شخصاً به اصلاحات پرداخت. بزرگ‌ترین کاروان محصلین ایرانی راهی فرانسه شد (چهل و دو نفر) نخستین طرح قانون اساسی به ضمیمه یک سلسله قوانین اجتماعی و سیاسی و اقتصادی به شاه عرضه شد. شورای دولت به وجود آمد. مصلحت‌خانه عامه برپا شد و نخستین جمعیت سیاسی جدید به نام مجمع فراموشخانه تأسیس شد. هیئتی برای ترقی صنعت و تجارت تشکیل شد، قانون دیوانخانه عدلیه اصلاح گردید، تلگراف به ولایات کشیده شد و آثاری سیاسی و اجتماعی ترجمه شد. پس از برکناری میرزا آقاخان نوری در ۱۲۵۷ ق / ۱۸۵۸ م ناصرالدین شاه زمام امور مملکت را به شورای دولتی سپرد. به این ترتیب که کلیه امور مملکتی برای نخستین بار به شش وزارخانه داخلی، خارجه، جنگ، مالیه، عدلیه، و ظایف و اوقاف تقسیم گردید و در رأس هر وزارخانه‌ای وزیری از سوی شاه منصوب شد. این اقدام نشان می‌دهد که دربار قاجار در یافته بود که دیگر یک نفر نمی‌تواند همه امور کشور را فیصله دهد و کار جمعی برای اداره و مدیریت کشور لازم و ضروری است. گرچه این اقدامات پس از آن کامل تر هم شد اما نارضایتی دربار و قحطی و خشکسالی و بلوا و اغتشاش ناشی از آن و اعدام کلانتر تهران به فرمان شاه و عزل و نصب‌های مأموران دولتی در پایتخت و فشار مخالفان اصلاحات شاه را مجبور به عقب‌نشینی کرد و همه بساط اصلاحات برچیده شد و حتی پاره‌ای از عوامل آن تحت تعقیب قرار گرفتند و سخن گفتن از آنها

۱. سنت و مدرنیسم: زیبا کلام، ص ۲۴۳ الی ۲۵۶.

ممنوع شد.

مشکلات کشور و نارضایتی مردم ده سال بعد باز هم شاه قاجار را مجبور ساخت که دست به دامان اصلاحات شود. در سال ۱۲۸۸ ق / ۱۸۷۱ م میرزا حسین خان سپهسالار به مقام صدر اعظمی نایل شد و دور جدیدی از اصلاحات آغاز گشت. اقامت دوازده ساله سپهسالار به عنوان سفیر ایران در اسلامبول او را با تحولات سیاسی و مدنی امپراتوری عثمانی و تنظیمات آشنا کرده بود. او بارهبران روشنفکر ترک مانند عالی پاشا، فؤاد پاشا و مدحت پاشا دوستی داشت و هر چند خبر از اوضاع اجتماعی و سیاسی عثمانی به دست می آورد به تهران گزارش می داد و در همه آنها شاه و دربار را به اخذ تمدن غرب تشویق می کرد با صدارت وی زمینه برای مشروطیت آماده می شد او به نوعی لیبرالیسم اعتقاد داشت و از ناسیونالیسم و مشروطیت و قانون سخن می گفت حتی وی از جدایی دولت از مذهب و مشاور وی ملکم خان علناً از اخذ تمدن فرنگی بدون تصرف ایرانی سخن می گفت.<sup>۱</sup>

اقدامات سپهسالار برای نوسازی در زمینه نظام دآوری و دادگستری به شیوه مغرب زمین کاملاً مشهود است وی یک کابینه به نام «دربار اعظم» و یک «مجلس مشورت» بنیاد کرد که دارای نه وزارخانه بود و در آن قوانین تصویب می شد بنیان‌گذاری این «مجلس مشورت» گرچه عمرش به درازا نکشید گامی بود در راه آشنایی ایران با اصول مشروطیت.<sup>۲</sup>

وی برای رسیدگی به امور دیوانی محل مخصوص و ساعات مشخص تعیین نمود پستخانه و تمبر پستی ایجاد کرد سبک نگارش امور حکومتی را ساده کرد موسیقی کلاسیک اروپایی را رواج داد. انجمن موزیکال و کنسرت بر پا نمود. مدارس جدید دایر کرد و به تقویت دارالفنون پرداخت و برای اولین بار در آنجا کلاس های آزاد در زمینه های فیزیک، شیمی، زیست شناسی، پزشکی، تاریخ، جغرافیا، زبان خارجه و ... برای استفاده عموم دایر نمود مدرسه و مسجد سپهسالار (شهید مطهری) را ساخت. روزنامه های جدیدی به نام وقایع عدلیه، نظامی، مریخ و وطن به علاوه یک سالنامه منتشر نمود یک هیئت بیست و چند نفری اتریشی را برای اصلاح امور مالی دولت استخدام کرد و برای بهره برداری از معادن طبیعی هم مهندس معدن شناس از اتریش استخدام کرد و دست به تلاش جدیدی در خصوص آوردن صنعت جدید به ایران زد. از اقدامات دیگر سپهسالار تلاش در ایجاد جامعه مدنی است یعنی ترویج آزادی، تأمین حقوق اجتماعی و امنیت مردم و بالاخره محدودیت قدرت حکام. روزنامه های جدید سپهسالار به معرفی و ترویج آزادی و اهمیت آن پرداختند. وی در راه تأمین حقوق مردم و نوشتن قانون اساسی تلاش هایی انجام داد و حتی شاه را برای آشنایی با حقوق مردم در غرب و پیشرفت اروپا به مسافرت فرنگ برد. همین تلاش ها بود که ناصرالدین شاه را تشویق کرد ضمانت فعالیت های اقتصادی و سرمایه گذاری را اعلام کند و امنیت اقتصادی را مورد حمایت قرار دهد. اصلاحات مالی و مبارزه با ثروت اندوزی و اجحاف حاکمان ولایات اقدام دیگر سپهسالار بود. این انضباط مالی و اداری حتی نزدیکان شاه را هم شامل می شد سپهسالار برای آگاهی عموم مردم حتی دستور داد تا فرامین حکومتی را در مساجد جهت اطلاع عموم قرائت کنند. وی با این روش می کوشید تا مردم را به حقوق حقه خود آشنا سازد اما اقدامات وی بیش از دو سال دوام نیاورد دامنه مخالفت با وی بالا گرفت دربار یون، شاهزادگان، منسوبین شاه، متنفذین، دیوانیان و شماری از علماء و حتی روس ها هم با وی مخالف بودند و تنها مدافع وی شخص شاه بود اما در هر حال فشار مخالفان شاه را مجبور به

۱. ایرانیان و اندیشه تجدد: جمشید بهنام ص ۳۴ و ۳۵.

۲. تشیع و مشروطیت: عبدالمهدی حائری. ص ۳۱ و ۳۲.

عقب‌نشینی کرد و در نهایت با تقاضای استعفای سپهسالار موافقت کرد و کارنامه اصلاحات پایان یافت.<sup>۱</sup>

### انسداد اصلاحات درونی و آغاز اصلاحات خارج حکومت

تلاش‌های عباس میرزا، امیرکبیر و سپهسالار و اقدامات هواخواهان دیگر اصلاحات در دولت قاجار در نهایت نتوانست نهادینه شود و به هر حال دربار قاجار، شاه و بستگان وی و حکام ولایات و متنفذین اجازه ندادند اصلاحات پاگیر شود و مشکلات دولت را حل کند اما دامنه مشکلات، نفوذ غرب، نارضایتی مردم و ناتوانی حکومت قاجار در فیصله دادن معضلات روز به روز بیشتر می‌شد و در مقابل فشار دولت بر مخالفان و مردم بیشتر می‌شد جبهه‌بندی دولت و مردم در برابر هم کم‌کم عمیق‌تر می‌شد و سختگیری‌ها زیاد شد، جلو مسافرت به خارج گرفته شد، برنامه‌های دارالفنون تقلیل یافت، اعزام محصل به خارج قدهن شد، نظمیّه موظف شد مخالفین را شناسایی و دستگیر کند، جلو ورود روزنامه‌های فارسی زبان چاپ خارج گرفته شد و حکومت مخالفان را متهم به بی‌دینی بایگیری و آناشیزم نمود جبهه اصلاحات از گذشته عمیق‌تر شده بود و این دفعه اصلاح نظام و سیستم حکومتی شعار مخالفان بود و مبارزه با حکومت مطلقه فردی و جایگزین کردن آن با حکومت منتخب مردم آرمان اصلی مخالفان بود. اگر جریان اصلاح طلبی از درون حکومت قاجار به اصلاح شیوه حکومتی و نحوه حاکمیت می‌اندیشید جریان بیرون حکومت خواستار تغییر شکل حکومت بود. این جریان دوم به مقدار زیادی متأثر از افکار و آراء مغرب زمین بود و می‌خواست همان اندیشه‌ها و آرمان‌ها را در ایران عیناً اجرا کند. آثار فکری میرزا آقاخان کرمانی، ملک المتکلمین، میرزا فتحعلی آخوندزاده، عبدالرحیم طالیوف، میرزا ملکم خان، سیدجمال الدین اسدآبادی، رساله‌های سیاسی و اجتماعی مدارس جدید، مطبوعات، آثار ترجمه شده غربی همگی دست به دست یکدیگر دادند و موجی از بیداری اجتماعی و اعتراض سیاسی علیه قاجار به راه انداختند. این حرکت در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم موج نیرومندی بود که زمینه را برای انقلاب مشروطه آماده کرد. انتقاد از شاه دیگر همگانی شده بود و همه طبقات نه تنها انتقاد که ناسزاگویی می‌کردند. وضعیت به گونه‌ای بود که پیش از آن سابقه نداشت.<sup>۲</sup>

در برابر این اعتراضات شاه قاجار به فشار خود می‌افزاید علماء و روحانیون را از دخالت در حکومت بر حذر می‌دارد و دخالت مردم در حکومت را نوعی فضولی به حساب می‌آورد. پیروان ملکم خان تحت تعقیب قرار می‌گیرند عده‌ای دستگیر و جمعی فراری می‌شوند. خشم و نارضایتی نخبگان و تحصیلکردگان کم‌کم به توده مردم در حال سرایت بود. قرارداد رژی و نهضت تنباکو توده مردم را علیه شاه قاجار متحد کرد و موجب افزایش نفوذ سیاسی روحانیت، بالا رفتن سطح آگاهی مردم، سخت‌گیری بیشتر حکومت بر مردم و گسترش امواج مبارزه و تند شدن نهضت شد. با ترور ناصرالدین شاه در جمعه ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۱۳ / ۱۸۹۶ م ارکان نظام قاجار به لرزه درآمد و زمینه برای انقلاب مشروطه فراهم شد. مشروطه آمیخته‌ای بود از جریانات لیبرالی، سوسیالیستی و مذهبی. عده‌ای بر روی حقوق فردی و اجتماعی، حاکمیت قانون، محدودیت قدرت حکومت، آزادی فردی و آزادی اجتماعات و مطبوعات تأکید داشتند. عده دیگر بر مساوات، تأمین حقوق صنفی زحمتکشان، بهبود شرایط زندگی کارگران و کشاورزان، اصلاحات ارضی تکیه می‌کردند و جریان سوم بر قطع نفوذ بیگانگان، اجرای قوانین شرعی، رفع ظلم، محدودیت قدرت

۱. سنت و مدرنیسم، زبیا کلام، ص ۱۹۶.

۲. همان کتاب، ص ۳۸۴ و ۳۸۵.

مطلق دربار و و فرمانروایان مستبد قاجار، احترام به مالکیت و حمایت از تجار اصرار داشت. اختلافات درونی سران مشروطه، تندروی‌های گروه‌های لیبرال و چپ و نفوذ انگلیس و روسیه، در نهایت انقلاب مشروطه را ناکام گذاشت. نهضت مشروطه گرچه نتوانست موفق شود ولی دستاوردهای اولیه آن‌که برای همیشه در ذهنیت سیاسی متفکران ایران باقی ماند عبارت بود از انتخاب مجلس، تدوین قانون اساسی، محدودیت قدرت و اختیارات شخص اول مملکت، تفکیک قوا، محصور شدن حکام در چارچوب قانون و کاهش اقتدار مطلق آنان، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی حکومت در برابر عملکردش در قبال مردم، طرح ایجاد قوه قضائیه مدرن، پیدایش تشکل‌های صنفی سیاسی و فعالیت مطبوعات.

جنگ جهانی اول و شورش‌های داخلی در نقاط مختلف و تحریک انگلستان در جنوب و روس‌ها در شمال زمینه را برای کودتای رضاخان در ۱۲۹۹ هـ-ش فراهم کرد و انگلیس توانست دولتی هوادار خود و متمایل به سیاست‌های غرب را روی کار آورد. رضاخان مبلغ تجددخواهی از راه زور بود نوگرایی استبدادی رضاخانی مبلغ صنایع، کارخانجات، دانشگاه، راه آهن، بانک، بوروکراسی، نظام وظیفه، دادگستری جدید، ارتش مدرن، مدارس جدید، کشف حجاب با زور و بیرون آوردن زنان از خانه‌های شان بود اگر مشروطه نوخواهی برخاسته از مردم بود نوخواهی رضاشاه نوعی تجددطلبی از بالا، اجباری و توأم با خشونت بود.<sup>۱</sup>

دوران پهلوی را می‌توان به دو دوره بزرگ تقسیم کرد:

۱- از تأسیس دولت جدید تا جنگ بین‌الملل دوم که می‌توان آن را دوره صنعتی شدن و اروپایی کردن آداب و رسوم نام نهاد. در این دوره است که نوسازی به طرز جدی مطرح می‌شود و دولت عامل نوسازی می‌گردد دولت مرکزی قوی می‌شود و سیاست ارشادی دولت به صنعتی شدن مملکت و ایجاد زیربنای اقتصادی مدد می‌کند سازمان حکومتی شکل غربی به خود می‌گیرد و علم و فن غربی وارد ایران می‌گردد. ایران مستقیماً با غرب تماس می‌گیرد و عوامل اصلی ارتباط، تجارت مستقیم و فرستادن محصل به اروپاست. در دهه‌های بعد از جنگ دوم واردات عظیم کالای مصرفی، رواج رادیو و سینما و تلویزیون و بالاخره سفر صدها هزار ایرانی به غرب به منظور سیاحت رابطه مستقیم را تقویت کرد.

۲- از پایان جنگ بین‌الملل دوم تا سال ۱۳۵۷ هـ-ش، دوره توسعه و رشد است. جنگ دوم و ورود ارتش‌های خارجی به ایران موجب اولین تماس میان مردم ایران و گروهی خارجی می‌شود. تمدن امریکایی رواج پیدا می‌کند و افکار سوسیالیستی نه تنها روشنفکران که گروهی از طبقات متوسط را هم جذب می‌کند. اولین نشانه‌های جامعه مصرفی پدیدار می‌گردد و یک نوع غربگرایی وحشی به چشم می‌خورد ماجرای ملی کردن نفت و پیامدهای آن موجب یک نوع سرخوردگی از غرب می‌شود اما سیاست نوسازی آمرانه دولت زمینه را برای رشد و توسعه آماده می‌کند. در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی دو جریان موازی در جامعه ایران دیده می‌شود از یک سوی سیاست نوسازی شتابزده دولت با بهره‌گیری از افزایش درآمد نفت و از سوی دیگر جریانی که این تغییرات را نمی‌پذیرد و با این نوسازی به مبارزه برمی‌خیزد.<sup>۲</sup>

## نتیجه‌گیری

سنت و تجدد در سرزمین مادر یعنی در غرب امروز که زادگاه اصلی این نزاع به شکل جدیدش بوده است

۱. سنت و مدرنیسم. صادق زیبا کلام، ص ۴۵۲ و ۴۵۳ و ۵۱۶  
۲. ایرانیان و اندیشه تجدد. دکتر جمشید بهنام، ص ۱۳۳ تا ۱۳۵.

معنایی اساساً متفاوت با تصویری دارد که در کشوری مانند ایران گمان می‌رفته است با پیدایش علم جدید در قرن هفدهم و سامان‌گیری جهان بینی علمی با مفاهیم، پیش فرض‌ها، اهداف و روش‌های خاص، نوع خاصی از ذهنیت بشری شکل گرفت که رفتارها، خلق و خو، امیدها، آرزوها و فرهنگ خاصی را در دنیای اروپا سامان داد و در نتیجه ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی جامعه غرب دگرگون شد جهان بینی تجربه‌گرای علمی که هیچ اصل ثابتی را تضمین نمی‌کند و هر اصل و قانونی را همواره در معرض خطر و تغییر می‌داند با بهره‌های فنی و نظری خاصی که ارائه داد و زندگی بشری را زیر و رو کرد به شکل تنها نگرش معقول و کارای جامعه بشری خود را به دنیای جدید عرضه کرد و این نگرش چنان و جاهت و اعتباری یافت که تمام شاخه‌های معرفت به دنبال آن کشیده شدند و روش‌شناسی و جهان بینی علمی تمام شعبه‌های دانش را متحول کرد. فلسفه، مذهب، اقتصاد و در یک کلام کل فرهنگ بشری راه و رسم علمی را در پیش گرفت و در پی آن کل ساختار اجتماعی جامعه جدید از این مسئله تأثیر بنیادی پذیرفت و سیالیت علمی کل ساختارهای ذهنی و اجتماعی دنیای غرب را دگرگون ساخت. این نگرش همان بنیان مفهوم تجدد است. بنابراین تجدد نوعی نگرش به انسان، جامعه و فرهنگ است که جز سود و قدرت هدفی را نمی‌جوید و به هیچ اصل ثابت و جاودانی اعتقاد ندارد. هر نگرش و عقیده‌ای که این جهان بینی را نپذیرد به عنوان نگرش سنتی محسوب می‌شود. بنابراین سنت و سنتی یعنی هر فکر و اندیشه‌ای که جهان‌نگری علمی، متدولوژی علمی و اهداف علم تجربی را نپذیرد و به نگرشی غیر علمی معتقد باشد. این تحلیل تئوریک و کاملاً انتزاعی و فلسفی مسئله سنت و تجدد است اما اگر در سطوح سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی مسئله را تحلیل کنیم باید گفت تجدد یعنی پذیرش علم سیاست ایدئولوژی‌های سیاسی، مکاتب اجتماعی غرب و اقتصاد و حقوق غرب یا به بیان دیگر تبعیت کامل از علوم انسانی در غرب به معنای وسیع کلمه. تمام تلاش نوگرایان و تجددخواهان در طول دو قرن اخیر عبارت بوده است از تبلیغ آزادی فردی و اجتماعی، قانون‌گرایی، لیبرالیسم، اومانیسم، دمکراسی، سوسیالیسم، پارلمانتاریسم، ترقی خواهی و... و آنچه در نگاهی به تاریخ تلاش تجددخواهان در ایران آورده شد نشان داد که نوخواهان ایرانی یا به تمام و کمال یا تا حد بسیار زیادی اندیشه‌های تمدن غرب را تبلیغ می‌کردند. البته تغییرات اجتماعی خاصی که در ایران روی داد زمینه را برای بسط اندیشه تجدد خواهی آماده کرد و پذیرش آن را آسان‌تر ساخت. این تغییرات عبارت بودند از:

- ۱- افزایش جمعیت که نتیجه کاهش مرگ و میر بود؛
- ۲- دگرگونی خانواده ایرانی؛
- ۳- تحول شهرنشینی در ایران به عنوان مرکز اداری و صنعتی و مکان تقلید سبک زندگی غربی؛
- ۴- افزایش میزان کار زنان در خارج از خانه در مقابل مزد؛
- ۵- افزایش جمعیت فعال در بخش خدمات اقتصادی؛
- ۶- آشنایی با جامعه مصرفی و بسط فرهنگ آن؛
- ۷- تغییر ساختار اقشار اجتماعی.<sup>۱</sup>

بعضی از جامعه‌شناسان جامعه‌های جدید را در برابر جامعه‌های گذشته، تقابل جامعه سنتی و جامعه تکنولوژیک محسوب کرده‌اند و اعتقاد دارند جامعه‌های سنتی جامعه‌ای هستند با اقتصاد ساده و معیشتی با سازمان اجتماعی مبتنی بر خویشاوندی و گروه‌های سنتی با ذهنیات اساطیری و غیرمنطقی، توأم با محافظه

۱. ایرانیان و اندیشه تجدد، جمشید بهنام، ص ۱۶۱ الی ۱۷۱.

کاری و اعتقاد به روابط مقدس و غیر مقدس و تفکر جادویی، ولی جامعه‌های تکنولوژیک دارای اقتصادی پیچیده مبتنی بر محیط طبیعی و محیط فنی هستند. تولید در اقتصاد پایه بنیادی است، نیازهای مصرفی رو به تزاید است، میان تولیدکننده و مصرف کننده جدایی است، سازمان اجتماعی پیچیده است، پایگاه محقق بر پایگاه محمول کاملاً ارجحیت و تسلط دارد. جامعه کاملاً حرفه‌ای است، بوروکراسی و دیوانسالاری خصلت بنیادی جامعه است. ساخت اقتصادی در سازمان اجتماعی تقدم دارد، جامعه کاملاً طبقاتی است، انجمن‌های داوطلبانه پرنفوذند، نخبگان متعددند، شناخت، اسطوره‌زدایی شده است، عقلانیت و علمی بودن مبنای نگرش است. ایمان به علم و پیشرفت اصل بنیادی است، آموزش ارجح بسیار دارد، مذهب و اخلاق حالت تکثر و تعدد دارد، تمایز بین مقدس و غیر مقدس از میان رفته است، اخلاق اسطوره‌زدایی شده است.<sup>۱</sup>

شاید بتوان روح حاکم بر جامعه‌های مدرن غربی را در حال حاضر و حتی از ابتدای قرون جدید تا به حال را در این عبارات گی‌روشه خلاصه کرد که می‌گوید: «ایمان به علم که رموز طبیعت را کشف می‌کند و به اسطوره‌زدایی منشأ جهانی و نوع انسانی می‌پردازد مکانیسم‌های سازمان اقتصادی و اجتماعی را تبیین می‌کند و حتی اسرار تفکر و روان انسان را آشکار می‌سازد. بنابراین ایمان به یک علم تسخیرکننده و تعمیم‌یافته است که توانایی تبیین آن در همه حوزه‌ها گسترش می‌یابد و هیچ محدودیتی ندارد.<sup>۲</sup>

حال سؤال سرنوشت‌ساز این است که آیا سرنوشت ما این است که یا سنت را بپذیریم و دنیای جدید را نفی کنیم یا این‌که تجددخواه شویم و همه‌ماحصل فرهنگ و مذهب خود را انکار کنیم یا راه دیگری هم وجود دارد.

پاسخ این سؤال همان مشی و روشی است که احیاگران اندیشه اسلامی در تمام ادوار تاریخ در پیش گرفته‌اند و به جای جمود یا تجدد راه تکامل فرهنگی را انتخاب کرده‌اند یا به بیان دقیق‌تر اجتهاد و سنت اصیل، نوآوری مبتنی بر متون اصیل دینی، پیشینه تفکر عالمان مسلمان و متناسب با زمان و مکان زیست اجتماعی انسان امروز. پس نه آنچه جزء سنت است به تمام قابل قبول می‌باشد و نه آنچه جزء تجدد و فرهنگ بشر امروز است همه معقول و درست است. معیار، حقانیت در اندیشه‌های حقیقی و کارایی و مفید بودن در اندیشه‌های اعتباری است و اینها را نه رسم زمانه نه خواسته این و آن و نه تبلیغات مراکز قدرت که نخبگان، فرزندان و مولدان فرهنگ، فکر، مدیریت و تولید جامعه مشخص می‌سازد و بهبود روش‌ها، اصلاح مدیریت و تعالی هدف‌ها و انسجام اجتماعی و اقتدار ملی میزان‌هایی است که نخبگان براساس آن داوری می‌کنند و جهان را جهت می‌دهند پس نه تقلید کور از گذشتگان، نه تسلیم محض مدزمانه، بلکه کشف حق، بسط و دفاع از آن راه حل مشکل سنت و تجدد است.

حُذِ الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذِ الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كُنُوا نَقَادَ الْكَلَامِ.

علی (ع)

۱ سازمان اجتماعی. کی روشه، دکتر هما زنجانی زاده، ص ۷۰ الی ۱۰۱ و ص ۹۸.  
۲ همان.



## کتاب مورد مراجعه

- ۱- اصول الفقه، الشیخ محمد رضا المظفر، ۱۴۰۵ ق، نشر دانش اسلامی.
- ۲- اقتصاد سیاسی ایران، دکتر محمد علی کاتوزیان ترجمه، محمد رضا نفیسی، کامبیز عزیزی، چاپ دوم، ۱۳۷۲، نشر مرکز.
- ۳- ایرانیان و اندیشه تجدد، دکتر جمشید بهنام، چاپ اول، ۱۳۷۵، نشر فرزاد.
- ۴- تاریخ جامع ادیان، جان ناس، ترجمه علی اصغر حکمت، امیرکبیر.
- ۵- تاریخ علم کمبریج، ۱-رنان، ترجمه حسن افشار، چاپ دوم، نشر مرکز.
- ۶- تشیع و مشروطیت، عبدالهادی حائری، چاپ دوم، ۱۳۶۴، امیرکبیر.
- ۷- خلاصه ادیان، دکتر محمد جواد مشکور، چاپ ششم، ۱۳۷۷، انتشارات شرق.
- ۸- سازمان اجتماعی، گی روشه ترجمه دکتر هما زنجانی زاده، چاپ اول، ۱۳۷۵، سمت.
- ۹- سنت و مدرنیسم، دکتر صادق زیباکلام، چاپ اول، ۱۳۷۷، انتشارات روزنه.
- ۱۰- فرهنگ علوم اجتماعی، جولیس گولد - ویلیام ل. کولب، مجموعه مترجمان، چاپ اول، ۱۳۷۶، انتشارات مازیار.
- ۱۱- ما چگونه ما شدیم، دکتر صادق زیباکلام، ۱۳۷۳، چاپ اول، انتشارات روزنه.
- ۱۲- معارف قرآن در المیزان، سیدمهدی امین، چاپ اول، ۱۳۷۰، سازمان تبلیغات اسلامی.